یک اثر معرفی نشده از محمد بن عبدالوهاب قزوینی

مجاهد، احمد

بدوا خوانندگان محترم تعجب خواهند کرد چه‏طور شادروان قزوینی که از دانشمندان معاصر است اثری از او تاکنون‏ پوشیده بوده و معرفی نشده است،اما با اندکی صبر و حوصله‏ خواهند دید که چنین است.

قبلا از دوستداران و ارادتمندان قزوینی پوزش می‏طلبم که‏ چرا در صدر مقاله از او با پیشوند«علامه»یاد نکرده‏ام،چون که‏ در این زمان از بس این پیشوند را به هر دستار به سری به ناحق‏ اطلاق می‏کنند،دیگر انسان شرم می‏کند که آن را به صاحبان‏ اصلی و شایسته‏ی آن اطلاق کند.

مطلب از این قرار است که ابراهیم حورانی‏1ادیب محقق‏ سوری(1260/1334،1844/1916 م)کتابی به نام الایات‏ البیّنات فی غرائب الارض و السموات تالیف و چاپ کرده‏ است.این کتاب را محمد حسین اصفهانی ملقب به ذکاء الملک و متخلص به فروغی(پدر محمد علی و ابو الحسن فروغی)به شیخ‏ محمد قزوینی ابن مرحوم ملا آقای قزوینی می‏دهد که ترجمه کند و او هم ترجمه می‏کند و بعد فروغی این ترجمه را به نگارش و تالیف درمی‏آورد و به نام هر دو در سال 1316 ق چاپ می‏شود که‏ گراور پشت جلد آن را خوانندگان محترم ضمن همین مقاله‏ ملاحظه می‏کنند،و چه بهتر که مطلب را با قلم و بیان خود فروغی‏ بخوانیم:

«...و مناسبت این‏که از حسن اتفاق و شمول سعادت، نگارنده‏یی با ذوق و مصنفی جامع و بارعی لطیف و محققی خبیر مسما و معروف به ابراهیم حورانی از فضلای بیروت از سواحل‏ شام چندی قبل تالیفی شریف بل تصنیفی منیف موسوم به کتاب‏ الایات البینات فی غرائب الارض و السموات پرداخت و در سنه‏ی 1883 م که تقریبا 15 سال پیش باشد آن را طبع کرده، منتشر ساخت و چیزی نگذشت که این بنده محمد حسین اصفهانی‏ متخلص به فروغی و ملقب به ذکاء الملک مستوفی اول دیوان‏ اعلی-وفّقه اللّه تعالی لطلب مرضاته-به مطالعه‏ی آن نگارش‏ اعلی و کریمه‏ی نفیسه فایز گشت.دیدم گنجی شایگان است که‏ دکتر احمد مجاهد

به رایگان به دست آمده..دریغم آمد هم‏وطنان من که عاری از علوم عربیه و ادیبه می‏باشند،از مطالعه‏ی این کتاب مستطاب‏ محروم مانند،نخوانند و دانستنی‏ها ندانند...

توضیح آن‏که در ابتدای انعقاد دارالترجمه‏ی ملتی و شرکت طبع‏ کتب به انجام این مرام مهم و مقصد اسنی پرداختم،ترجمه‏ی کتاب را به گردن جناب فضایل ماب آقا شیخ محمد ابن مرحوم فاضل نحریر ملا آقای قزوینی از اجزای دارالتّالیف-طلب ثراه-انداختم،و او امروز از مترجمین محترم دارالترجمه‏ی ملتی‏ست.مشارالیه مشغول ترجمه‏ شد و خود به نگارش و تالیف آن دست زدم...آن را موشح نمودم به‏ نام مبارک...مرجع الافاضل و مجمع الفضایل و الفواضل،جناب‏ مستطاب حسین قلی‏خان نظام السلطنه وزیر مالیه‏ی دولت علیه ایران‏ -ادام اللّه اقباله العالی...

این رساله که به صورت ترجمه است و در معنی گوی سبقت از بسیاری از مصنفات جلیله می‏رباید و ابواب حکمت بر روی اهل‏ معرفت می‏گشاید،نام نامیش«غرائب زمین و عجایب آسمان» است...نگارنده افادات چند بر آن افزوده و توضیح‏ها نموده.. (غرائب زمین و عجایب آسمان،ص 7-11)

همان‏طور که ملاحظه فرمودید با تصریح فروغی،مترجم‏ کتاب محمد پسر ملا آقا قزوینی‏ست.و ما در تاریخ رجال‏ قزوین فقط یک ملاآقا داریم با پسری به نام محمد و از اجزای‏ دارالتالیف که همان شادروان قزوینی‏ست که پدرش از اجزای‏ نویسندگان اربعه‏ی نامه‏ی دانشوران ناصری‏ست.

چون نگارنده باید در ذیل جواب یک سوال مقدّر را بدهم که‏ چرا مرحوم قزوینی از این ترجمه‏ی خود در جایی نام نمی‏برد،لذا باید رابطه‏ی او را با فروغی همان‏طور که خود در شرح احوال‏ خویش می‏آورد،بازگو کنم:

«دیگر از بزرگوارانی که حق تربیت و تعلیم عظیم به گردن این‏ ضعیف دارند،مرحوم میرزا محمد حسین خان اصفهانی متخلص به‏ فروغی و ملقب به ذکاء الملک پدر دانشمند معظم آقای میرزا محمد علی خان ذکاء الملک حالیه-مد ظلّه العالی-است که قریب ده دوازده سال از اوایل عهد شباب را غالب ایام و لیالی در محضر انور ایشان که محطّ رجال ادبا و شعرا و اهل ذوق آن عصر بود،به‏ سر بردم.تربیت اخلاقی بر حسب استعداد خود و ترویض‏[ریاضت‏ دادن‏]نفس سرکش و قهر طبع توسن و اعتراف به جهل خود همه‏ را کلا مدیون توجهات مشفقانه و تربیت پدرانه‏ی آن مرحوم‏ می‏باشد.

...در تمام این مدت ده دوازده ساله علی سبیل الاستمرار از مصاحبت دو فرزند دانشمند آن بزرگوار میرزا محمد علی خان‏ ذکاء الملک و آقای میرزا ابو الحسن خان فروغی برخوردار بودم. ابتدا من در خدمت آقای ذکاءالملک حالیه درس فرانسه می‏خواندم‏ و ایشان پیش من درس عربی،ولی به زودی به واسطه‏ی توافق‏ مشرب طرفین و تجانس اخلاق و خیالات جانبین کار از تعلیم و تعلم گذشته،دوستی موکد باطنی بین ما برقرار و متدرجا مستحکم گشت.(بیست مقاله،ج 1،ص 8)

شرح حال قزوینی نخست‏بار به قلم خودش در بیست مقاله‏ (چاپ بمبئی،ج ص 5-23 در 1343 ق)چاپ شد،بعدا همه‏ی‏ مراجع از قبیل لغت‏نامه و مقالات معین و جزوه‏ی انجمن آثار و مفاخر و...همه نقل از همان بیست مقاله است و چون شادروان‏ قزوینی نامی از ایران اثر خود نبرده طبعا آنان نیز نام نبرده‏اند.

با تصریح فروغی در مقدمه‏ی کتاب که مترجم شیخ محمد قزوینی پسر ملا آقای قزوینی‏ست،و نوشته‏ی پشت جلد کتاب هم‏ با همین تصریح است که گراور آن را ملاحظه می‏کنید،حال چرا قزوینی نامی از این اثر و ترجمه‏ی خود نمی‏برد،به گمان نگارنده‏ با توجه به رابطه‏ی قزوینی با فروغی و دو فرزندش،وی بزرگواری‏ کرده ترجمه‏ی کتاب که از او بوده،همراه نگارش و تالیف کتاب که‏ از همین ترجمه‏ی او از فروغی بوده،یک‏جا در یک کاسه کرده و به‏نام ولی نعمت و بر کشیده‏ی اولی خودش محمد حسین‏ ذکاء الملک فروغی ترک کرده و جزو آثار خود یاد نمی‏کند.البته‏ یک فرض بسیار بسیار ضعیف هم هست که چون قزوینی در اولین‏ کار خود اشتباهاتی در ترجمه کرده است،بعدا صلاح ندیده است‏ که از این اثر خود یاد کند.

و اگر ما در نظر داشته باشیم که قزوینی و بعضی از ادبای‏ متاخر ما اصلا به طرف ترجمه نرفته‏اند،و خود قزوینی به خاطر یک کلمه در تصحیح جهانگشای جوینی،پنج سال چاپ کتاب‏ را معطل می‏دارد،اما حتا یک بیت از اشعار عربی را ترجمه نکرده‏ است،و هم‏چنین است در شدّ الازار و سایر آثارش که روش او چنین بود که چیزی را ترجمه نکند،و بنا بر اشتهار تنها مقدمه‏ی‏ نقطه الکاف را از انگلیسی به فارسی ترجمه کرد،آن هم بدون‏ ذکر نام خودش،اما به اتفاق اهل نظر آن ترجمه انشای‏ قزوینی‏ست،و چنین بود مرحوم فروزانفر که سطری در آثارش‏ ترجمه نکرده است.وقتی ترجمه‏ی رساله‏ی قشیریه از قرن‏ ششم را چاپ کرد،ترجمه‏ی اشعار آن را به عهده‏ی دکتر احمد مهدوی دامغانی حواله کرد و ایشان هم‏ بعد سالیانی در حاصل اوقات به چاپ‏ رساند و یک بیت از اشعار عربی کلیات‏ شمس را هم ترجمه نکرد.و چنین بود مرحوم همایی و مدرس رضوی و محدث و بسیاری از استادان ادب عربی ما.

اما به هر علیت که بر ما مجهول است که‏ چرا قزوینی کتاب مورد بحث را جزو آثار خود یاد نکرده است،و این قطعی‏ست که‏ ترجمه‏ی کتاب از اوست و یک‏بار هم به نام‏ او چاپ شده است،نویسندگان و شرح‏ حال‏نویسان بعد از او باید این کتاب را جزو آثار او ذکر کنند،البته خان‏بابا مشار در فهرست کتاب‏های چاپی ترجمه‏ی کتاب‏ را به نام شیخ محمد باقر قزوینی آورده که‏ اشتباه محض است و کلمه‏ی باقر نه در پشت‏ کتاب و نه در مقدمه نیامده و یک غلط مطبعی‏ست.

یک محمد قزوینی دیگر هم داریم که او کاتب بوده است و ساکن در بالاخانه‏ی‏ امام‏زاده زید تهران که کتاب بدایع الاحکام فی‏ فقه الاسلام تالیف بدایع نگار لاهوتی را احمد بن محمد الهزار جریبی کتابت کرد،فقط یک‏ صفحه فهرست اول کتاب را محمد قزوینی‏ تحریر نموده است:«این فهرست به ید اقل‏ المطلاب و الکتّاب محمد القزوینی نوشته‏ شده در بالاخانه‏ی امام‏زاده زید-ع-در 25 شهر رمضان المبارک فی 1324 ق.»

یک کلیات سعدی هم نگارنده به خط او دیده‏ام:«حرّره محمد القزوینی فی‏ پانزدهم شهر رجب المرجب در سنه‏ی یک‏ هزار و سیصد و بیست و یک،1321 ق.»

کتاب جام جم هندوست ان را نیز به خط او دیده‏ام:

گر به هم بر زده بینی خط من عیب مکن‏ که مرا محنت ایام به هم بر زده است

حرّره محمد القزوینی،1316 ق.

پی‏نوشت‏ها

(1)-اعلام زرکلی،ج‏1،ص 56.

(2)-الماثر و الاثار،ص 161،چاپ سنگی.

برای حسن امین

منوچهر صدوقی سها

ای صوفی صافیّ صفا کیش صفی‏جو ای روح الامین،جان سها،آیت موتوا شد عمری تا دست جام نبردیم‏ مردیم بپیما دو سه جامی به لب جو برخیز گریزیم از این وادی کثرت‏ زی زاویه‏ی وحدت با شور تکاپو سرمست علی جوی و علی‏خوان و علی‏خواه‏ بی‏خویش علی‏خواه و علی‏خوان و علی‏جو مولای علی الاطلاق و والی مطلق‏ رمز ازل و سرّ ابد راز اطیعوا هم هجرش بر دل‏شدگان گوشه‏ی دوزخ‏ هم وصلش بر شیفتگان غرفه‏ی مینو (سندی از 91 سال‏قبل(وصیت‏نامه‏ی نظام العلماء)برادر امین الشریعه:لیست املاک و بدهی‏ها